

داستان پنج زن از آزار جنسی در مراسم حج



[جلیل پژواک](#)

CNN/جیانلوکا میتسوفیوره
ترجمه: جلیل پژواک

هر ساله صدها هزار تن از زنان مسلمان به مکه در عربستان سعودی، برای اشتراک در مراسم حج می‌روند. اما در هفته‌های اخیر، برخی از زائران زن به CNN گفته‌اند که آن‌ها در جریان پنج روز زیارت، مورد سوءاستفاده، تعرض، آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند.

از آن میان، پنج زن به CNN گفته‌اند آن‌ها ماه گذشته پس از این‌که حکایت یک زن پاکستانی از قرار گرفتنش در معرض آزار و اذیت جنسی در جریان مراسم حج، در فیسبوک منتشر شد، مجاب شدند تا خودشان نیز، داستان‌های‌شان را با دیگران شریک کنند. پُست فیسبوکی این زن پاکستانی، باعث شد تا بسیاری از زائران زن، داستان‌های مشابه خود را در شبکه‌های اجتماعی با دیگران شریک کنند.

با سالانه حدود سه میلیون زائری که به مکه برای شرکت در مراسم حج سفر می‌کنند، این مراسم

معنوی‌ترین -عبادت- مسلمانان در سراسر جهان است. در سال ۲۰۱۶، تقریباً ۴۲ درصد همه‌ی زائران حج، زنان بوده‌اند. هر مسلمانی که از لحاظ جسمی و مالی توانایی ادای حج را داشته باشد، باید یک بار در طول زندگی خود این زیارت را به جا آورد. کنترل جمعیت در مراسم حج -به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین زیارات سالانه در جهان- یک چالش بزرگ است.

اغلب حوادث تعرض و آزار و اذیت جنسی که به CNN گزارش شده، در جریان مراسم طواف - حرکت دسته‌جمعی خلاف عقربه‌ی ساعت در اطراف حرم کعبه- اتفاق افتاده است. از میان زنانی که داستان‌های خود را با CNN شریک کرده‌اند، فقط برخی از آن‌ها این حادثه را در عربستان سعودی به پولیس گزارش داده‌اند. آن‌هایی که به پولیس گزارش داده‌اند، نیز می‌گویند که شکایات‌شان نادیده گرفته شده است.

یک مقام عربستان سعودی مرتبط با امور حج، در پاسخ به CNN گفت که دولت -شاهی- به هیچ‌وجه چنین رفتاری را به‌ویژه در مکان‌های مقدس، تحمل نمی‌کند. وی افزود حادثی که توسط زنان گزارش شده، از سوی مقامات به‌صورت جدی پیگیری می‌شوند. این مقام عربستان سعودی گفت: «هرکسی که به ارتکاب چنین اعمالی گناهکار شناخته شود، با عواقب جدی آن از جمله حبس و شلاق مواجه می‌شود. به دستور دولت عربستان سعودی، اکنون افسران پولیس و بازجویان زن بیشتری به نیروی پولیس و دستگاه امنیتی از جمله اداره‌ی دادستانی عموم اضافه می‌شوند تا حضور ماموران امنیتی زن و نیروهای پولیس در داخل کشور و مکان‌های مقدس برای رسیدگی با هرگونه مسایلی که ممکن رخ بدهد، بیشتر و سنگین‌تر باشد.» عربستان سعودی در سپتامبر ۲۰۱۷ حکم سلطنتی‌یی را صادر کرد تا آزار و اذیت جنسی را غیرقانونی اعلام کرده و از آن جلوگیری کند. کار روی یک قانون جدید نیز جریان دارد.

در ذیل، داستان پنج زن را می‌خوانید. این روایت‌ها برای وضاحت بیشتر ویرایش شده‌اند. بعضی از زنان، که داستان‌شان در زیر آمده، به‌خاطر ترس از واکنش جوامع خود، خواسته‌اند ناشناس باقی بمانند.

داستان اسرا ندیم، زن پاکستانی که در ایالات متحده زندگی می‌کند

من در سال ۲۰۰۶، زمانی که برای اولین بار مراسم حج را به‌جا آوردم، ۲۱ ساله بودم. در سال ۲۰۰۶، نخست من در جریان مراسم سنگسار شیطان در مینا، در میانه‌ی هجوم جمعیت گیر ماندم. این خودش بسیار آزاردهنده بود. وحشتناک بود. اما چند روز بعد من به مکه به‌منظور ادای حج عمره (شکل کوتاه‌تری از زیارت حج که می‌شود آن را در هر زمانی از سال انجام داد) بازگشتم. این بار من تنها بودم و در اطراف خانه‌ی کعبه طواف می‌کردم. شما هر قدر بیشتر به کعبه نزدیک شوید، بیشتر شلوغ می‌شود. همه می‌خواهند کعبه را لمس کنند. من هم می‌خواستم به کعبه نزدیک‌تر شوم و آن را لمس کنم. در آخرین دایره (دور) جمعیت بسیار به آرامی حرکت می‌کرد. من در کنار کعبه بودم و کسی باسنم را چنگ زد. من فکر کردم که این از شلوغی جمعیت است، زیرا همه به هم فشار وارد می‌کردند. اما کمی بعدتر، هنگامی که دوباره حرکت کردم، کسی به سینه‌هایم دست زد. من سرم را چرخاندم و آن مرد را دیدم که فقط به من پوزخند می‌زد. من کاری نمی‌توانستم انجام بدهم، و او هنوز سینه‌های من را در دستانش نگه داشته بود. بنابراین من سر او جیغ زدم و دوباره جمعیت، با فریاد «یاالله عجله کن!» مرا با فشار به جلو راند. من این حادثه را به دو نگهبانی که اول

دیدم‌شان گزارش دادم، اما هر دوی آن‌ها انگلیسی صحبت نمی‌کردند و به من گفتند که بروم. من با چند نفر دیگر که تجربه‌ی مشابهی داشتند ملاقات کردم، اما در سال ۲۰۰۶، زمانی که نه فیسبوک بود و نه ابزار دیگری، تو نمی‌توانستی (نمی‌خواستی) در مورد آن با کسی صحبت کنی. حج یک تجربه‌ی معنوی است، شما در وضعیت ذهنی متفاوتی هستید. شما برای چیزهایی دعا می‌کنید و این یک عمل معنوی است. غریزه‌ی اولیه‌ی شما می‌گوید که چنین اتفاقی احتمالا نمی‌تواند رخ بدهد. اما این اتفاق می‌افتد. در برابر شما. من دیگر به حج نرفتم. آن حادثه خیلی منجرکننده بود. اول آن گیرماندن در میان سیل جمعیت و بعد آن آزار و اذیتی که در جریان طواف تجربه کردم.

داستان زن بریتانیایی ناشناس که اکنون در آسیا زندگی می‌کند

پیش از رفتن به مکه در سال ۲۰۰۷، زمانی که ۳۲ ساله بودم، هرگز مورد تعرض جنسی قرار نگرفته بودم. بار اولی که این اتفاق برایم افتاد، من به سمت مسجدالحرام برای ادای طواف می‌رفتم. مردی از آن‌سو به سمت حیاط راه افتاده بود. او با نزدیک‌شدن به من، دست‌اش را دراز کرد و سینه‌هایم را چنگ زد. این لمس، اتفاقی از سر دست‌وپاچلفتی نه، بلکه به‌معنای واقعی آن چنگ زدن بود. این چنگ‌زدن با شدت تمام بود و مرا آزرده و بلافاصله اجازه نداد بروم. او -سینه‌هایم را- فشرد و در تمام این مدت به من زل زده بود. بار دوم، من در حیاط مسجدالحرام بودم و احساس کردم که چیزی به پشت ام فشار داده می‌شود. شلوغی بسیار بود و تعداد زیادی از مردم به‌همدیگر می‌خوردند. اما فشار بر پشت ام ادامه یافت. من اطرافم را گشتم و یک مرد را دیدم، و متوجه شدم که او آلت (ایستاده‌اش) را به من می‌مالد. او آن قدر سخت به من فشار می‌داد که تقریباً مرا به جلو می‌راند. او نیز نگاهش را روی من قفل کرده بود. من فرار کردم و یک مامور پولیس را پیدا کردم و به او (به انگلیسی) گفتم که چه اتفاقی برایم افتاده است. او مرا پس زد. علاقه‌ی بی‌به شنیدن حرف‌هایم نداشت. من حتماً آن مرد را که در میان جمعیت بود به پولیس -با اشاره‌ی دست- نشان دادم، اما با آن‌هم مامور پولیس مرا نادیده گرفت. بار سوم، من در یک خیابان فرعی به کالاهای مرتبط با حج نگاه می‌کردم که ضربه‌ی تندی را از پشت‌سرم حس کردم. متوجه شدم که یک پیرمرد، دست خود را میان نشیمن‌گاه‌ام با چنان نیرویی قرار داده که احساس می‌کردم انگار انگشتانش در درون من فرو رفته‌اند. این اتفاق واقعا سریع روی داد و من در شوک ناشی از آن فریاد زدم. پیرمرد به من نگاه کرد، لبخند زد و گفت: «الحمدالله». فرد ماموری که در غرفه نشسته بود، پشت‌اش به ما بود و چیزی ندید.

من هر بار، در روز روشن در حالی که هزاران نفر در اطراف‌ام حضور داشتند، مورد حمله قرار گرفتم. من از گستاخی آن سه مرد متعجب شده بودم و از این‌که هیچ چاره‌ی در پیش نمی‌دیدم، عصبانی بودم. به من پیش از رفتن به مکه گفته شده بود که ممکن است مورد لمس -در شرایط نامناسب قرار بگیرم. اما این گفته‌ها، مرا برای شوک برخاسته از آن اتفاقات آماده نکرده بود. من فکر می‌کنم که در جریان مراسم حج، بسیار بیشتر از آن‌که مردم -مسلمانان- بخواهند باور کنند، تعرض (جنسی) صورت می‌گیرد. حج مقدس‌ترین مکان در اسلام، و مراسم حج از آن دست تجربه‌هایی است که فقط یک‌بار در طول زندگی پیش می‌آید. صحبت‌کردن در مورد تعرض و آزار و اذیت جنسی به خودی‌خود به اندازه‌ی کافی دشوار است، اما حرف‌زدن در مورد آن آزار جنسی که با حج (که یکی از ستون‌های اساسی اعمال مذهبی در اسلام است) مرتبط باشد، از آن‌جایی که حج مقدس است، حتماً دشوارتر هم می‌شود. چند سال بعد من دوباره به حج رفتم... اما در مورد حریم شخصی خود ستیزه‌جو بودم. من تقریباً همیشه به سمت جاهایی که باید می‌رفتم، می‌دویدم تا

هیچکسی نتواند مرا لمس کند. بسیاری کارهایم را در دیروقت شب یا صبح زود، هنگامی که بیرون ساکت‌تر و شلوغ کمتر بود، انجام می‌دادم. من (در دومین حج) حتماً طواف را به‌جا نیاوردم و موقع عبور از صحن مسجدالحرام، تقریباً می‌دویدم. این دومین بازدید من از حج بود، از این‌رو، من تمامی راه‌های میان‌بر را از قبل می‌شناختم.

داستان زن ناشناس از اندونیزیا

من از اندونیزیا هستم و در سال ۲۰۱۱، هنگامی که ۱۷ ساله بودم، می‌خواستم به مکه به‌منظور ادای حج عمره بروم. بار اول، من مورد آزار لفظی قرار گرفتم: در لابی هتل منتظر آماده‌شدن اتاقم بودم که متوجه دو مردی شدم که به من خیره شده بودند و می‌خندیدند. من آن‌ها را نادیده گرفتم اما آن‌ها شروع کردند به صدازدن من. مرا با پوزخند روی صورت‌شان cantik - که در اندونیزیایی به معنای زیبا است - صدا می‌زدند. بار دیگر، هنگامی که در اطراف کعبه طواف را به‌جا می‌آوردم، یک زائر دیگر از پشت‌سرم رد شد و آلت ایستاده‌اش را به پشت‌ام چسپاند. احساس عصبانیت و ناامنی به من دست داد. من با توجه به وضعیت و از آن‌جایی که همه فکر می‌کنند «این شهر مقدس است — چه کسی چنین کاری را انجام می‌دهد؟»، نتوانستم در مورد آن اتفاق پیش کسی شکایت کنم. من دیگر برای حج/عمره به مکه نرفتم و مطمئن نیستم که بروم. حتماً پس از آن‌که آن اتفاق برایم پیش آمد، نمی‌توانستم روی نماز و عباداتم تمرکز کنم. فقط برای ترک مکه لحظه‌شماری می‌کردم. این‌که تو در یک مسجد، در مقابل کعبه، جایی که باید خودت را نزدیک‌ترین به خدا حس کنی، باشی و بدترین اتفاق رخ دهد، وضعیت وحشتناکی است. من تا امروز راجع به این موضوع به کسی نگفته‌ام. نمی‌دانم، شاید نمی‌خواستم آن وضعیت را به یاد بیاورم یا دوست نداشتم که مردم بپرسند «چرا تنها راه می‌روی؟» یا «چرا از یک عبا سیاه استفاده نمی‌کنی؟».

داستان زن ناشناس از مصر

من دو بار مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفتم: یک بار به‌صورت لفظی و بار دیگر به‌صورت فیزیکی. آزار و اذیت لفظی زمانی بود که من با خواهران و مادرم در حال ادای عمره بودیم. پس از نماز، هنگام برگشت به هتل، منشی یک دکان چیزی را با این مفهوم به من گفت: «این‌جا بیبا، دختر مقبول». در نظر داشته باشید که من ۱۳ ساله بودم و هرگز آن را فراموش نکردم. من خیلی گیج و از خودم متنفر بودم. اتفاق دوم در جریان مراسم حج، موقع سنگسار شیطان در مینا، منطقه‌یی در شرق مکه رخ داد. در میان جمعیت، من احساس کردم که دستی به سینه‌هایم چنگ زده است. به عقب نگاه کردم، و آن دست، دست مردی بود که در کنار همسرش قدم می‌زد. او از آن‌جایی که نه به همسرش و نه به شهر مقدس احترام داشت، به من نیز بی‌احترامی می‌کرد. باز هم، من گیج و از خودم متنفر بودم. آن موقع (بار دوم رفتنم به حج) من فقط ۱۷ سال سن داشتم. تا سال‌ها بعد، من همیشه می‌گفتم که آن اتفاقات از روی اشتباه یا ناخواسته بوده‌اند — زیرا مکه شهر مقدس و حج مراسم مقدس است. اما تویبتر مرا فهماند که من تنها نیستم.

داستان انوشه مشتاق، زن پاکستانی که در استرالیا زندگی می‌کند

زمانی که ۱۰ ساله بودم، خانواده‌ام به لیبیا فرستاده شد. پدرم در نیروی هوایی پاکستان کار می‌کرد و برای چهار سال به لیبیا فرستاده شده بود. در سال ۱۹۸۰، والدینم تصمیم گرفتند که زیارت حج را

بهجا آورند. به یاد می‌آورم که من، از این جهت که بهجا آوردن حج یک امتیاز است، بسیار هیجان‌زده بودم. پدر و مادرم با دو دخترشان به عربستان سعودی سفر کردند. من و خواهرم مشتاقانه منتظر رفتن به مکه و دیدن کعبه برای اولین بار بودیم. هنگامی که وارد کعبه شدیم، خیلی شلوغ بود. ناگهان یک مرد جوان از پشت مرا دست‌مالی کرد. من به شدت احساس ناراحتی کردم. دست مادرم را محکم گرفتم و در پیش او به حرکت ادامه دادم. من نمی‌دانستم که آیا در مورد این حادثه باید به مادرم بگویم یا نه. پس ساکت ماندم. در جریان حج، قرار بود ما توسط یک اتوبوس از مکه به مدینه سفر کنیم. در اتوبوس، من و خواهرم کنار یکدیگر نشستیم و پدر و مادرمان، در دو صندلی که پشت هر یک از ما قرار گرفته بود، نشستند. مسوول بلیت‌های اتوبوس، در حال بررسی بلیت‌های مسافران بود. مسوول بلیت در کنار صندلی من و خواهرم ایستاد و طوری عمل کرد که انگار می‌خواهد چیزی را در داخل صندلی من درست کند. او دست‌اش را روی (قفسه‌ی) سینه‌ام حرکت داد و رانم را دست‌مالی کرد. او نمی‌خواست از کارش دست بردارد. من احساس خشم و نفرت کردم اما نمی‌دانستم چه باید بکنم. او آن‌طور که گویی پرده‌ها را جابه‌جا می‌کند، میانه (کشاله) ران‌هایش را به صورتم می‌مالید. من به‌خاطر شرم خودم و عزت خانواده‌ام، از آن اتفاق به کسی چیزی نگفتم و خاموش ماندم. من هرگز از آن‌چه به من در جریان مراسم حج اتفاق افتاد به کسی چیزی نگفتم، تا این‌که اخیراً پُست‌هایی را -در شبکه‌های اجتماعی- در مورد آزار و اذیت جنسی دیدم. در آینده اگر فرصتی دست دهد، من برای بار دوم حج را بهجا خواهم آورد.

گرفته شده از: سایت اطلاعات روز